info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۷۵۸
یکشنبه / ۷ دی / ۱۳۹۹
۱۲ / جمادی الاول / ۱۴۴۲
27 / December / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۸۸-۳۲۵۳۲۳۲۲-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

بوی تنهایی

بوی درد می آید
بوی تنهایی
باغ
مملو از گل های گندیده
برکه ها بی آب
کوچه ها خاموش
خیابان
بی تاب مسافر
با سکوت زنجره ها
قورباغه هم
از صدا افتاد
در کنار
تاراج ملخ ها
بهار می آید
با تمام غربت
گلهارا
دریابیم

بهروز قاسمی (رها)

یادداشت

از گروه‌های تئاتری حمایت شود

کسانی که از «تئاتر آنلاین» یا چیزی شبیه به این عناوین و اسامی حرف می‌زنند بفظر می‌رسد تعریف تئاتر را فراموش کرده‌اند و یادشان رفته که تئاتر یک موجود یا یک هنر کاملاً زنده است و صرفاً با حضور و نقش تماشاگر و مخاطب شکل می‌گیرد و معنی و تعریف پیدا می‌کند. به گفته‌ای دیگر رونق و بسط و پیدایش تئاتر از همین جوهره و اصل شکل گرفته و ما نمی‌توانیم بگوییم این هم‌نفسی را از تئاتر می‌گیریم و آن را در قالب تصویر می‌بریم و امسفن را هم می‌گذاریم تئاتر آنلاین. خیر؛ چنین چیزی از منظر و نگاه من درست نیست چون اگر می‌توانستیم این باور و تعریف را بپذیریم آن‌وقت باید با خودمان این سؤال را مرور کنیم که این تئاتری که ما ساخته‌ایم چه تفاوتی با دیگر ژانرها و حوزه‌های هنری دارد؟ من معتقدم از تئاترهای تلویزیونی یا همان تله‌تئاتر هم به اندازه‌ای که باید و شاید استقبال آنچنانی صورت نگرفت و این آمار به صورت کیفی و کمی با آن استقبالی که در مواجهه با تئاتر زنده اتفاق می‌افتد اصلاً قابل مقایسه نیست. تئاتر را باید هم‌نفس با تمامی عوامل آن دید و آنجاست که شما می‌توانید بگویید اینجا تئاتری در حال اجراست که شما نفس‌به‌نفس با بازیگر روی صحنه و دکور و آن زندگی که برای شما روی صحنه اجرا می‌شود همراه شدید.

در همه جای دنیا وضع همین است و تئاتر زنده جایگاه و ارج دیگری دارد و به گونه‌های دیگر از اجرای تلویزیونی و... اسم تئاتر نمی‌دهند. حال تصور کنیم در کشور ما که بیشتر به سمت تئاترها و جشنواره‌های آماری هستیم و پی بیلان کاری، وضع علیحده‌تر خواهد شد. به عقیده من امروز می‌شود همه چیز را به گردن کرونا انداخت اما در خلوت خود می‌توانیم این سؤال را هم از خودمان بپرسیم که مگر قبل از کرونا چه اتفاق خاص و ویژه‌ای برای تئاتر افتاد و یا در دوران پیش از این پاندمی چه تغییر و تحول خاصی رخ داد که باعث شد تئاتر به شکل درست و اصولی‌اش پیشرفت کند.

پس به عقیده من اگر از تئاتر آنلاین استقبال نشد، امری کاملاً بدیهی است و اتفاقاً اگر استقبال هم می‌شد جای تعجب داشت و این عدم استقبال حداقل برای کسی مثل من کاملاً قابل پیش‌بینی بود. در این مدت صرفاً هزینه‌هایی انجام شد تا همان بخشی که گفته می‌شود بخش آماری به جایی برسد. در حالی که می‌شد با این هزینه‌ها، نه فقط امسال، که سال‌های گذشته و بعد هم کارهای مفیدتری انجام داد و نمونه‌اش حمایت بی‌قید و شرط از گروه‌های تئاتری برای حفظ انسجام و تولید بود. اگر می‌خواهیم چراغ تئاتر روشن بماند و به حیات خود ادامه بدهد این اتفاق باید در یاز دهبقند و از گروه‌های تئاتری متناسب با شأن و شخصیت تئاتر و تئاتری‌ها حمایت شود آن هم بدون هیچ درخواست و مطالبه‌ای.

هنر نمایش هنری بله قربان گو نیست، اتفاقاً برعکس و اگر هم باشد دیگر نمی‌شود اسمش را تئاتر گذاشت بلکه یک «شو» و نمایش برای انجام خواسته‌های دیگران است و یک شعار به تمام معنی. به هر روی ما بعد از کرونا آدم‌های گذشته نخواهیم بود چون اتفاق بزرگی در سراسر جهان رخ داده و به عقیده من ممکن نیست چنین رخداد بزرگی ما را بدون تغییر بگذارد بلکه تصور من این است که پس از این دوران آدم‌ها و موضوعات در جامعه و البته در تئاتر تغییر می‌کند و تئاتر به سمت انسانی شدن که اصل و جوهره‌اش است میرنی گردد.

علی پویان
مدرس و کارگردان تئاتر

خاطره ۴۷

امروز با حافظ

ای که در کوی خرابات مقامی داری
جم وقت خودی ار دست به جامی داری
ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز
فرصتت باد که خوش صبحی و شامی داری

خواندنی

تب و تاب غم عشقت دل دریا طلبد
هر تُنک‌حوصله را طاقت این طوفان نیست

هوشنگ ابتهاج

اذان ترج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۹	۰۷:۱۱	۱۲:۰۳	۱۶:۵۵	۱۷:۱۴

برگه

ضعیف‌الاراده کسی است که با هر شکستی بینش او نیز عوض شود.

ادگار آلن‌پو

گزارش

بررسی نوآوری‌هایی که در بدترین زمان‌ها بهترین راه‌حل‌ها را ایجاد کردند

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، همه ما این جمله معروف را شنیده‌ایم که نیاز، مادر اختراع است. تاریخ نشان داده که دوره‌هایی که تغییرات بزرگ رخ می‌دهد و استرس وجود دارد، الهام‌بخش بازآفرینی و نوآوری برای غلبه بر محدودیت‌ها، کنار گذاشتن فرضیات قدیمی و به دست آوردن الزامات جدید است. برخی از شرکت‌ها که امروز به بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا تبدیل شده‌اند در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ تا پس از آن به وجود آمدند. اینستاگرام، واتس‌اپ، اوبر و **Airbnb**، همگی حاصل جاعطایی کارآفرینانی هستند که اگر در آن زمان با محیط اقتصادی دشوار مواجه نمی‌شدند، ممکن بود موسسان آنها الان شغلی راحت در یک شرکت بزرگ بانک یا شرکت مشاوره مدیریت می‌داشتند.

زایش بهترین اختراع‌ها از دل بحران‌ها

سالی که گذشت، قطعا مثل هیچ سال دیگری نبود. شوکی که پاندمی کووید- ۱۹ بر زندگی روزمره ما وارد کرد، دنیا را پیش چشم‌مان تغییر داد. سازمان‌ها، کسب‌وکارها و حتی نظام‌های بهداشت و درمان و موسسات آموزشی، برای تطبیق دادن خودشان با شرایط و غلبه بر چالش‌هایی که هیچ‌وقت تصورش را هم نمی‌کردند، با دشواری مواجه شدند و مجبور به نوآوری در قابلیت‌ها، محصولات و خدمات جدید ظرف چند روز و چند هفته به جای چند ماه و چند سال شدند.

خردفروش‌ها و کافه‌ها، بسته‌های هدیه و خدمات ثبت اشتراک در نظر گرفتند. برخی کارخانه‌ها به سرعت تغییر کاربری دادند و به تولید مواد ضدعفونی‌کننده و ونتیلاتور روی آوردند. در ایتالیا یک استارت‌آپ مهندسی، به سرعت از پرینترهای سه‌بعدی خود برای تولید دریچه‌های مورد استفاده در ونتیلاتور استفاده کرد و این ابزارها امروز جان خیلی‌ها را نجات می‌دهند. قرنطینه باعث شد خیلی از سازمان‌ها در بخش‌های مختلف ناگهان از کاربردپذیری دیجیتال داده و تجزیه و تحلیل به شیوه‌ای که قبل رخ نداده بود، استقبال کنند. برخی از این نوآوری‌ها در بلندمدت وجود نخواهند داشت. اما خیلی از آنها هم باقی می‌مانند؛ همان‌طور که عادت‌های جدید شکل می‌گیرند و رفتارهای قدیمی دیگر برنمی‌گردند. وقتی به این بحران در چند ماهی که گذشته نگاه می‌کنیم، بدون شک نوآوری‌هایی که زاده شده هم می‌بینیم: داروها و ابزارهای پزشکی جدید، فرآیندهای درمانی بهبودیافته، پیشرفت‌هایی در تولید و زنجیره تامین، و تکنیک‌های همکاری جدید.

علاوه بر ویژگی مشترک همه نوآوری‌ها که همان حل مشکل است، ماهیت بحران این است که شرایط محدود به فردی پیش روی ما می‌گذارد که به افراد نوآور امکان می‌دهد آزادانه‌تر فکر و حرکت کنند تا بتوانند تغییر سریع و اثربخشی ایجاد کنند.

به همین دلیل، مدرسه کسب‌وکار لندن برای توجه نشان دادن به نبوغی که بر کاهش بدترین آثار اجتماعی- اقتصادی، کسب‌وکار و بهداشت و سلامت متمرکز شده، امسال شاخه‌ای به جایزه نوآوری سالانه خود اضافه کرده که «جایزه نوآوری در نامایمات ۱۹» نام دارد. این دسته‌بندی جدید مربوط به بنگاه‌هایی است که مدل کسب‌وکار خود را به صورت بنیادی تغییر دادند تا در دوران پاندمی دوام داشته باشند، یا بنگاه‌هایی که برای رویدن یک فرصت جدید که در دل بحران ایجاد شده بسیج شدند، یا آنهایی که خیلی سریع هدف دارایی‌های موجود خود را تغییر دادند و ساختار سازمان‌های خود را عوض کردند تا یک نیاز اجتماعی فوری غیرمرتبط با پاندمی را پاسخ دهند. در این مطلب، به چند نمونه خوب که در مواجهه با شرایط سخت رویکردهای مختلفی نسبت به نوآوری داشتند، اشاره می‌شود.

نوآوری ناجی

تیمی از پزشکان و مشاوران در بیمارستان «وارینگتون اند هالتون» (**Warrington and Halton**) با تغییر تنظیمات ابزارهایی به نام «جعبه سیاه» که معمولا برای درمان «اختلال آینه» یا همان قطع موقتی تنفس در خواب مورد استفاده قرار می‌گیرد، به درمان بیماران کووید- ۱۹ پرداختند. این تیم با توجه به تجربه بین‌المللی کمبود ونتیلاتور در دنیا خیلی سریع به این نتیجه رسیدند که جعبه سیاه، سرعت بهبود بیماران را بالا می‌برد و نیاز به ونتیلاتور که استفاده از آن سخت‌تر هم هست، کاهش پیدا می‌کند. این نوآوری به قدری موفقیت‌آمیز بود که بیمارستان وارینگتون همچنان کمترین آمار مرگ‌ومیر مرتبط با کووید- ۱۹ را در شمال غربی انگلستان دارد

— یعنی نصف دیگر بیمارستان‌های محلی، این کار که نمونه‌ای کلاسیک از «نوآوری بازترکیبی» در زمان نیاز است، نشان می‌دهد. نوآوری‌های کوچک که توسط افرادی انجام می‌شود که کار خاصی نمی‌کنند و صرفاً وظیفه خود را انجام می‌دهند، می‌تواند تفاوت بزرگی در زندگی مردم ایجاد کند.

کسب‌وکارهای بزرگ و کوچک، امسال خیلی سریع خدمات و مدل عملیاتی خود را تغییر دادند. هدف آنها فقط بقا در دوران پاندمی نبود، بلکه می‌خواستند اثربخشی مفیدی برای جوامع محلی و جامعه بزرگ‌تر خود داشته باشند.

شرکت لوازم خانگی ترکیه‌ای آرچلیک

وقتی پاندمی شیوع یافت، شرکت لوازم خانگی ترکیه‌ای آرچلیک (**Arcelik**) که مالکیت برندهای بکو و گرندی را دارد، با گروه‌های نامدار در عرصه تکنولوژی و هواوردی شریک شد، تا به تولید انبوه دستگاه‌های ونتیلاتور بپردازند. در یک نمونه فوق‌العاده از همکاری میان صنعتی برای نوآوری، ۱۲۰ مهندس که ۶۰ نفر آنها از شرکت آرچلیک و بقیه از شرکت‌های بیوسیس (**BioSys**)، بایکار (**Baykar**) و آسلسان (**Aselsan**) بودند، گرد هم آمدند تا در مرکز نوآوری باز شرکت آرچلیک در استانبول، نمونه‌سازی سریع را شروع کنند و در یک ضرب‌الاجل دو هفته‌ای، نمونه اولیه محصول را طراحی و آزمایش کنند.

آرچلیک توانست ۵ هزار دستگاه ونتیلاتور در ماه ژوئن تولید کند که بیش از نیمی از آنها را به ۱۸ کشور مختلف، از جمله برزیل، سومالی و نیجریه که شرایط سختی داشتند، فرستاد. این اتفاق حاصل تخصص جمعی در طراحی، صنعتی‌سازی و محلی‌سازی دستگاه ونتیلاتور بود.

هاکان بولگورلو، مدیر عامل آرچلیک، می‌گوید: «از اینکه در این پروژه نقشی داشتیم، به خودمان افتخار می‌کنیم؛ پروژه‌ای که می‌گوید وقتی برای یک هدف خوب دست به دست هم می‌دهیم، چه چیزهایی به دست می‌آید. می‌خواهیم بخشی از راه‌حل باشیم. همکاری جمعی با کسب‌وکارها و دولت‌ها برای مبارزه جهانی با کووید-۱۹ و شکل دادن آینده‌ای پایدارتر.»

بخشی از راه‌حل

در مقیاسی کوچک‌تر، اپلیکیشن چیتا (**Cheetah**) واقع در سان فرانسیسکو که تامین‌کننده عمده‌خوش رستوران‌ها و کسب‌وکارهای کوچک حوزه مواد غذایی و خوارباروفروشی است، وقتی یک شبه و پس از قرنطینه و تعطیلی‌های سراسری با کاهش ۸۰ درصدی درآمد خود مواجه شد، تغییر محور داد و خردهفروشی به مصرف‌کنندهها را شروع کرد. چیتا با این حرکت خود که نشان‌دهنده تفکر نوآورانه واقعی در دوران سخت است، این فرصت را نه فقط برای بقا، بلکه برای حمایت از جامعه محلی خود دید. این شرکت با درست کردن نسخه‌ای ویژه از اپلیکیشن خود برای مصرف‌کنندهها، به مشتریان امکان داد سفارش خود را برای تامین‌کنندهای عمده‌خوش ثبت کنند و روز بعد سفارش‌ها طی فرآیند ارتباط در راه دور، از نظامی که طراحی شده بود جمع‌آوری شدند.

این سیستم زیرساخت‌های چیتا را هم قرار داد تا مشکلات متعدد در دنیای پساکرونا را هم حل کند: فروشگاه‌های خوارباروفروشی محلی می‌توانند از طریق دسترسی به یک زنجیره تامین جداگانه، بر کمبود عرضه غلبه کنند؛ تعاملات سفارش مواد غذایی با تعداد کمتری از کارکنان ثبت می‌شود؛ در زمان مصرف‌کنندهها به دلیل اجتناب از تکرار سفرهایی که به مقصد خرید صورت می‌گیرند و کمتر شدن تجمع در فروشگاه‌ها، صرفه‌جویی می‌شود و به طور کلی ریسک انتقال کووید هم کمتر می‌شود. چیتا همچنین با حذف کارمزد ارسال مواد غذایی به رستوران‌ها از آنها پشتیبانی کرده است. همین اقدامات باعث شد این شرکت در آوریل امسال، دومین دور تامین مالی خود را به سرانجام برساند و کل سرمایه تامین شده آن به بیش از ۶۶ میلیون دلار از زمان تاسیس در سال ۲۰۱۵ برسد.

از زغال‌سنگ تا کدنویسی

دو شرکت دیگر به خاطر نوآوری در شرایط سخت انتخاب شده‌اند که ربطی به پاندمی ندارند. «بیت سورس» (**Bit Source**) یک شرکت خدمات نرم‌افزاری است که در یکی از فقیرترین مناطق آمریکا در شرق کنتاکی واقع شده است. این منطقه زمانی به صنعت زغال‌سنگ قدرت گرفته بود و در چند سال اخیر، به دلیل اجرایی شدن سیاست‌های محیط‌زیستی ضد زغال‌سنگ و تعطیلی تعداد زیادی از معادن که جمعیت محلی زیاد را به کار گماشته بود، دچار رکود شده است.

راستی جاستیس و لین پاریش، دو معدن‌کار سابق بودند که شرکت بیت‌سورس را در این منطقه تاسیس کردند و معدن‌کاران سابق منطقه را به کدنویس تبدیل کردهاند و محصولات نرم‌افزاری به شرکت‌ها می‌فروشند. آنها در این مسیر مجبور شدند بر چالش‌های بزرگ غلبه کنند: کمبود مهارت‌های **IT**، دسترسی ناکافی به اینترنت پرسرعت و مشکلات مالی و تامین سرمایه. اما این بنیان‌گذاران، دیده بودند که معدن‌کاران چگونه با منطق خود، مشکلات مربوط به مرگ و زندگی را زیر زمین حل می‌کنند و توانستند همان مهارت‌ها را به شکل موفقیت‌آمیزی در برنامه‌نویسی پیاده‌سازی کنند. آنها کارشان را با استخدام ۱۱ معدن‌کار سابق که توانستند در آزمون شایستگی کدنویسی بالاترین امتیاز را به دست آورند شروع کردند. سپس این افراد را برای برنامه‌نویسی آموزش دادند و قرارداد توسعه نرم‌افزار با چند شرکت امضا کردند. بیت سورس هنوز یک شرکت کوچک است، اما حالا که پنج سال از تاسیس آن گذشته، بیشتر افراد تیم اصلی هنوز به کدنویسی مشغولند تا کارهای بزرگی در آینده انجام دهند.

شرکت «باتک موبیلیتی»

داستان نوآوری شرکت «باتک موبیلیتی» (**Batec Mobility**) واقع در بارسلونا، به همین اندازه الهام‌بخش است. پاو بج، بنیان‌گذار ۱۸ ساله این شرکت، برای غلبه بر یک چالش شخصی، مجبور شد تفکر متفاوتی داشته باشد و یک راه‌حل جدید برای رفع‌توامد خود پیدا کند. او به شدت به موتورسواری و دوچرخه‌سواری علاقه داشت. در اولین سالی که تحصیل در رشته طراحی صنعتی را شروع کرد، در یک حادثه رانندگی و پیاده‌نشین شد و کسی که زندگی خیلی پرچنب‌وجوشی داشت، با آسیبی مواجه شد که زندگی او را برای همیشه تغییر می‌داد. مدتی بعد او دریافت که کمک‌های در نظر گرفته شده برای آسیب‌دیدگان جسمی، از نظر حرکت و جابه‌جایی و همچنین سبک زندگی، برای کارهایی که او می‌خواست انجام دهد کافی نیستند. راه‌حل چه بود؟ پاو تصمیم گرفت راه‌حل خودش را برای حرکت و جابه‌جایی با دست خودش بسازد. اختراع او اضافه کردن چرخ سوم در قسمت جلوی ویلچر بود که مثل دوچرخه فرمان دارد و کاملاً با دست هدایت می‌شود. با این اختراع، او توانست ورزش کند، به سفر برود و همه کارهایش را خودش انجام دهد. در سال ۲۰۰۶ و در ۲۷ سالگی، پاو تصمیم گرفت زندگی افراد دیگری را که در موقعیت او قرار داشتند، بهبود بخشد و در نتیجه محصولات بیشتری برای فروش تولید کرد. در سال ۲۰۰۸ او اولین خط تولیدش را در اسپانیا راه‌اندازی کرد و حالا محصولاتش در بیش از ۲۰ کشور در سراسر دنیا در دسترس هستند و تعداد افرادی که از ویلچرهای او استفاده می‌کنند، به بیش از ۶ هزار نفر رسیده‌اند. او از آن زمان به بعد، پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرده و جوایز متعددی در حوزه مسوولیت اجتماعی و کارآفرینی دریافت کرده است. اگر قرار باشد یک مورد از اینکه نوآوری مادر اختراع است را مثال بزنیم، این یکی از بهترین نمونه‌ها است.

مترجم: مریم رضایی

پرده جراید

یگانگی در سایه احضار متون کهن به اکنون

اعتماد: ابوالفضل نجیب- آنچه به عنوان موضوع قرار است در این مختصر پرداخته شود به ادبیت آثار بیضایی مربوط شود. آن هم درباره نویسنده‌ای که با وجود تنگاتنگی و پیوستگی روایتگری در تمامی آثار نمایشی و تصویری حتی یک نمونه به آنچه در گونه به ادبیات داستانی تعبیر می‌شود به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که تمامی آثار بیضایی مستقیم و غیرمستقیم در شکل بازنویسی و بازآفرینی شده، ملهم و متاثر از متون کهن است که با قواعد و معیارهای زمانه خود به گونه ادبیات داستانی و روایی تعلق دارد. از این زاویه پرداختن به این موضوع جز از طریق واکاوی آثاری که در ارتباط تنگاتنگ با متون ادبی کهن خلق شده، اگر نه غیرممکن، حداقل دشوار است. از این جهت بیضایی در حوزه ادبیات داستانی ما منحصر و یگانه است. این ادعا را می‌توان به استناد نگارش ۵۰ متن نمایشی، ۶۰ فیلمنامه، ۱۶ سوگنامه و ۱۰ پرده‌خوانی مورد تاکید قرار داد. در این سیاهه تنها یک عنوان داستانی به نام حقیقت و مرد دانا به چشم می‌خورد که بیضایی در سال ۱۳۵۱ برای کانون نوشت و با نقاشی‌های مرتضی ممیز به چاپ رسید. آنچه بیضایی را به لحاظ کمی و کیفی از چرخه نویسندگان ادبیات داستانی متمایز می‌کند، بهره‌گیری از ذهنیت روایتگری در استخراج منابع روایی کهن به زبان و زمان حال است.

آنچه هم بیضایی را از مخاطبان جهانی محروم کرده، به نوعی التزام او به منابع کهن و همزمان اصرار او بر تمامیت ایرانی بودن است. رویکردی که مخاطبان جهانی را از ذهم تمامیت آثار او با مشکل روبرو می‌کند. تاکید همواره بیضایی بر اینکه او ایرانی است و در کلیت چه در سینما و تئاتر اثر ایرانی می‌سازد، دلالتی بر این معنی است. آنچه به تشخص بیضایی در این رویکرد می‌انجامد وفاداری به درونمایه متون کهن و به موفقیت‌آمیزی در برنامه‌نویسی پیاده‌سازی کنند. آنها کارشان را با استخدام ۱۱ معدن‌کار سابق که توانستند در آزمون شایستگی کدنویسی بالاترین امتیاز را به دست آورند شروع کردند. سپس این افراد را برای برنامه‌نویسی آموزش دادند و قرارداد توسعه نرم‌افزار با چند شرکت امضا کردند. بیت سورس هنوز یک شرکت کوچک است، اما حالا که پنج سال از تاسیس آن گذشته، بیشتر افراد تیم اصلی هنوز به کدنویسی مشغولند تا کارهای بزرگی در آینده انجام دهند.

درست در چنین نقطه‌ای است که آثار او از نمونه‌های وام گرفته جدا و به هر کدام هویت مستقل از نسخه اصل می‌بخشد. به بیان دیگر بیضایی با الهام از پیرنگ‌ها در منابع کهن هر کدام را به تناسب و در نسبت به زمان و دغدغه‌ها و نیازها و به‌علاوه جهان شخصی که به آن وابسته است با مصالح جنس زمان و مکان بازآفرینی می‌کند. تغییر شیوه روایتگری از طریق بر هم زدن خط روایت یا همان ساختارشکنی ارسطویی و همزمان زاویه دید روایت به مولفه‌های داستان پیستمدرن نزدیک می‌شود. برای او این تغییرات نه الزاما متاثر از تحولات و انقلاب‌های ادبی که اغلب مکنی به توانمندی‌ها و ذهنیت پویا و موضوعیت پیدا می‌کنند. بیضایی در همزمان کردن متون کهن به امروز پیش از آنکه به مفهوم و معنای مدرن الزام داشته باشد، به راه‌حل میانه میان جهان کهن و امروز روی می‌آورد. شخصیت‌های او نه بالکل امروزی و نه تماما بر گرفته از نمونه‌های اصلی هستند. نگاه او در این میانه راه به تاویل گرایی می‌برد. رویکردی که به نوعی بر نشانه‌شناسی جهان داستان مدرن اشاره و تاکید دارد. بیضایی با چنین نوعیتی از روایت حتی شخصیت‌های اسطوره‌ای مثل آرش را از جایگاه تاریخی خود به نمونه‌های زمینی و تعمیم پذیر تنزل می‌دهد. آنچه او در این رویکرد دنبال می‌کند به نوعی بازآفرینی و کارآمد کردن و به تعبیری هویت بخشی مدرن به اسطوره‌هایی است که در دنیای مدرن به تدریج رنگ باخته و با معیارها و مولفه‌های جهان پیستمدرن بازتولید می‌شوند.

از این منظر بیضایی شاید از معدود نویسندگانی است که می‌کوشد پیرنگ‌های داستانی را به تعبیری اگر درست باشد از موقعیت پیشاتاریخی به فراتاریخی ارتقا دهد. بیضایی حتی زمانی که قرار است به مهم‌ترین موضوعات زمانه از جمله زن و چالش‌های تاریخی و پیرامونی او بپردازد، همچنان به کهنسالگی موضوع زن در تاریخ اهتمام دارد. در نمایش شب هزارو یکم با چنین دغدغه‌ای به سراغ متون کهن می‌رود. آنچه در سگ‌کشی از دلبستگی و عشق گلرخ می‌بینیم با آنچه در شاید وقتی دیگر از سرگشتگی و گمگشتگی کیان شاهد هستیم، هر کدام بر جنبه‌هایی از رابطه تاریخی جنسیت زن از کهنسالگی جهان تا امروز حکایت دارد. بیضایی از این طریق می‌کوشد هویت تاریخی زن در دنیای کهن را که در حاشیه یا منفعل و قربانی و... بوده به موجودیتی بازتعریف شده و تاثیرگذار و به بیان فلسفی به فاعلیت تغییر جایگاه دهد. در نمایش شب هزار و یکم دو شخصیت زن (شهرناز و ازنوار) برخلاف روایت اساطیری که شخصیت‌های ساده و منفعل هستند در روایت بیضایی به شخصیت‌های محوری ارتقا پیدا می‌کنند. داوطلب شدن این دو زن برای همسری ضحاک با هدف کاستن ستمکاری او، نافذ بر حضور و به تعبیری رجعت بیضایی به جهان کهن و اسطوره‌ها دارد. این در حالی است که در متون کهن این دو زن به اجبار به همسری ضحاک در می‌آیند. در آثار بیضایی حضور زن‌ها اغلب از این حیث قابل اشاره و تامل و تاویل است. بیضایی در روایت آنها و با فعال کردن زن در چرخه انتقام بالکل از روایت عشق سه ضلعی خسرو و شیرین و شیرویه در روایت نظامی از متن خسرو و شیرین فاصله می‌گیرد. او با اضافه کردن خان به جای شیرویه که به سنت زمانه در اولین شب عروسی به حجله خان می‌رود روایت را با حذف شیرویه و اضافه کردن خان و کشته شدن خان به دست جیران او را به محوریت روایت تبدیل می‌کند. در روایت بیضایی جیران پس از خفه شدن شوی به دست خان، داوطلب همسری به اولین خواستگار خود می‌شود. داستان همچنان با سنت کامجویی خان در اولین شب عروسی تکرار می‌شود. جیران بر خلاف بار اول داوطلبانه به حجله خان می‌رود و با دشنه‌ای که خان با دسیسه و به عنوان گنشن از کامجویی به جیران بخشیده سینه او را دریده و انتقام می‌گیرد. بازآفرینی سینمایی این روایت التقاط شده به نوعی و با تغییر شخصیت‌هامی توان در پایان بندی سگ‌کشی یادآور شد. جایی که گلرخ بعد از آگاهی از خیانت شوی او را به دست عدالتی می‌سپارد که قرار است توسط قربانیان او اجرا شود. گلرخ در روایت بیضایی می‌تواند شخصیت بازآفرین شده جیران در روایت آهو و به تعبیر کهنسالگی شیرین باشد. که این بار به زمان حال آمده و بار مظلومیت و ستمدیدگی زنان عصر خود را به دوش می‌کشد. در پایان سگ‌کشی گلرخ سلاح شوی خود را به مردان فریب خورده تشنه انتقام می‌سپارد. تاکیدی اشاره‌وار به دشنه و کارکرد انتقامجویانه آن در روایت آهو هر چند گلرخ سگ‌کشی نه زن به تمام معنی قربانی خسرو و شیرین و نه الزاما زن انتقامجوی آهو، که نشانه‌ای کنایه‌وار به زن زمانه‌ای است که از انتقامجویی عبور کرده و در مدار بالاتری از نفرت و انتقامجویی بدوی، به منزلت نگاه ترحم آمیز به جهان زیست خود رسیده است.